

سریال خوش ساخت «سرزمین کهن» در رقابت با تولیدات روز تلویزیون مورد توجه مخاطبان قرار گرفته است

گذشته تلویزیون باز هم برد



میلاد جلیل زاده خبرنگار گروه فرهنگ

سریال «سرزمین مادری» که قبلاً با نام سرزمین کهن شناخته می‌شد این روزها در حال پخش همزمان از تلویزیون و تلویویون است. کاری که کمال تبریزی ۱۵ سال پیش وقتی هنوز فیلمسازی اش کاملاً سرحال بود ساخت آن را شروع کرد، امروز درحالی پخش می‌شود که امروزه، زمانه و بسیاری از زمینه‌ها فرق کرده‌اند. هیچ‌کس حتی با فروش چاه نفت و همت تمام ریش سفیدان تئاتر و تلویزیون و سینما نمی‌تواند امروز این تعداد از ستاره‌ها را در یک مجموعه دور هم جمع کند و از همین رو مرور فهرست عوامل سرزمین مادری در سال ۱۴۰۲ به یاد ما می‌آورد در این ۱۵-۱۰ سال سینما و تلویزیون مان چه مسیر پرفرازونشیبی را طی کرده است. البته توجه داشته باشیم که بسیاری از این اسامی در زمانه خودشان هم پرآوازه بوده‌اند اما پروژه‌های بزرگ تلویزیون به قدری محبوب بود و خوب دیده می‌شد که همه آنها حضور در چنین پروژه‌هایی را فرصتی مغتنم برای دیده شدن در مقیاسی وسیع از یک سو و در قالبی آبرومند و هنرمندانه از سوی دیگر می‌دیدند. به هر حال ابتدایی‌ترین تحلیل‌ها را جمع به نوع مواجهه مخاطبان با این سریال، در حال و هوای همان دوره‌ای که ساخته شد قابل تحلیل است. فصل اول کار ۱۷ قسمت است و مدتی طول می‌کشد تا قصه کاملاً برآه بفتند و خودش را جا بیندازد. این شیوه، کاملاً مطابق با شیوه کار سریال‌های بزرگ همان دوران است که چند قسمت ابتدایی‌شان درحقیقت اوتور بود و برگ‌های اصلی جذابیت را رو نمی‌کرد تا همه مخاطبان جمع شوند و پای تلویزیون بنشینند. این در حالی است که عصر سریال‌های شبکه نمایش خانگی بعضی از این مناسبات را یکسره تغییر داده است. سریال‌ها در فصول ۱۰ تا ۱۵ قسمتی ارائه می‌شوند و اکثر اوقات در همان یک فصل به پایان می‌رسند. گاهی هم با مینی سریال‌های ۵ یا ۶ قسمتی طرفیم. همه این آثار هم در همان قسمت ابتدایی چنان ضربه اصلی را می‌کوبند که مطمئن شوند مخاطب را از سایر رقبای پرتعدادشان برنده‌اند. پخش هفتگی یک سریال در چنین شرایطی است که می‌تواند با پیگیری مخاطبان همراه شود و یک سریال ۵۰ قسمتی را باید به طور شبانه پخش کرد یا لایق یک شب در میان. اینها مسائلی است که به دلیل تاخیر ۱۰ ساله در پخش این سریال ایجاد شده‌اند.

امروز با افسوس می‌شود گفت اگر این حواشی برای سرزمین مادری پیش نمی‌آمد و سر وقت خودش روی آنتن می‌رفت، حالا شاید بازپخش آن مثل جی‌ویوگ و یوسف پیامبر و امثال آن بسیار پرمخاطب می‌شد؛ شاید حتی بیشتر از مخاطبان امروزش. در هر حال وقتی می‌خواهیم سریال سرزمین مادری را بررسی کنیم، بد نیست به سرنوشت فرامتن عجیبی که از سر گذرانده هم نگاه می‌بینیم و از یاد نبریم که ظرفیت‌های تماشایی آن بیشتر از آنچه که امروز به نظر می‌رسد، بوده‌اند. هنوز هم اگر دقت کنیم غیر از مجموعه‌هایی که بازپخش آثار سال‌های پیش بوده‌اند، بهترین و

پرمخاطب‌ترین کار تلویزیون در این روزها سریال سرزمین مادری است. کاری قصه‌گو که برای کارگردانی اش هم مایه‌گذاشتند و در پس آن مطالعات تاریخی مناسبی وجود داشته؛ هرچند هم به روند قصه، هم کارگردانی کار و هم پس‌زمینه سیاسی و تاریخی‌اش می‌توان نقدهایی داشت.

یادگاری از روزگار کارهای بزرگ

سرزمین مادری با ساکنانی از یک روستای دورافتاده و جنگ‌زده ایران آغاز می‌شود. مردم روستا نمی‌دانند که متفقین به ایران حمله کرده‌اند و حتی ۱۶ سال پس از برافتادن سلسله قاجار، از اینکه دیگر احمدشاه بر کشور حکومت نمی‌کند هم بی‌اطلاع هستند. عده‌ای ارتشی با ماشین‌های نظامی‌شان در روستا هستند و موقعیت پیش‌آمده سیاسی و جنگی‌را از خلال بحث فرمانده میان‌پایه این ارتشی‌ها با اهالی روستا می‌شناسیم. هواپیماهای متفقین بالای سر روستا ظاهر می‌شوند و شلیک تفنگ‌های تک‌تیر ارتشی‌های ایران هم به وضوح هیچ اثری ندارد. تلی از خاک و خاکستر و جنازه از روستا باقی می‌ماند و از میان این مخروبه‌ها نوزادی نجات پیدا می‌کند که زنده بودنش همه را متعجب کرده است. شخصیت اصلی سریال همین نوزاد است؛ شخصیتی نامیرا که هر بالای بزرگ و عجیبی بر سر او هوار می‌شود اما نهایتاً زنده می‌ماند و قرار است همین حالت را در ادامه قصه بیشتر هم نشان بدهد. ظاهر این بلاکشیدگی و نامیرایی شخصیت «رهی» نمادی از ماس میهنش ایران است. زنی این کودک را به آغوش می‌گیرد و سوار بر یک گاری تک‌سک است به سمت پایتخت می‌رود. بعد پنجاه روایت در زمانی دیگر باز می‌شود، پس‌ری که را می‌بینیم که پدرش یک معلم توده‌ای است و با خاندانی از اشراف انگلیسی ماب نسبت فامیلی دارد؛ هرچند ارتباط‌شان قطع شده و خوبی به هم نزدیکی ندارند.

اگر بخش‌هایی از روایت که به قبل از خانه و خانواده این مرد توده‌ای برمی‌گردند را حذف کنیم، مخاطب ریسمان قصه را گم نخواهد کرد. این قسمت‌ها جذابیت بصری را یوایی ویژه‌ای هم ندارند که تولید و پخش‌شان توجیه داشته باشد و تا حدودی برای دیده‌نشدن ساخته شده‌اند چون مخاطبان این طومر مجموعه‌ها در آن دوره و زمانه مدتی طول می‌کشید که دور تلویزیون جمع شوند و سازندگان مجموعه‌ها سعی می‌کردند برگ‌های اصلی‌شان را همان اول رو نکنند و همه چیزشان زود خرج نشود. تولید این بخش‌ها یک دلیل دیگر هم دارد که به دال مرکزی روایت مربوط است. این روایت قرار بوده از شهریور ۱۳۲۰ تا پیروزی انقلاب اسلامی را در بر بگیرد و اتفاقاتی که برای رهی می‌افتد، به موازات اتفاقات کلان سیاسی و اجتماعی ایران پیش بروند. روزنامه‌ها به این پسرک لقب پسر ملت را دادند و آنچه در زندگی شخصی اش رخ می‌دهد با اینکه چه کسی نخست‌وزیر می‌شود یا پارلمان کدام سستی می‌رود مربوط است. این البته نه آن معنا نیست که مسائل تاریخی روایت به طور کامل تشریح شوند و اگر کسی از آنها سرشته‌ای نداشته باشد، احتمالاً بعضیشان را به طور کامل درک نمی‌کند.

روایت سرزمین مادری بخش عمده‌ای از دهه ۲۰ شمسی که در سیاست ایران به دوره فترت مشهور است را با یک پرش زمانی دور می‌زند. ناگهان در اواخر این دهه چشم باز می‌کنیم و رفته‌رفته به استقبال نخست‌وزیری حاج علی‌رزم‌آرا می‌رویم. رزم‌آرا تئور می‌شود، حسین علا به نخست‌وزیری می‌رسد و در دوره او ملی شدن صنعت نفت به امضا می‌رسد. حرفی از منصور زده نمی‌شود که دوره‌ای کوتاه را پس از علا در سمت نخست‌وزیری بود و بلافاصله وارد دوران مصدق می‌شویم.

به نظر می‌رسد که قصه اصلی مربوط به رهی است و اینکه واقعا فرزند کیست و ارثیه‌اش به او می‌رسد یا نه. پس اگر تاریخ سیاسی آن دوره کاملاً روایت نشود، این‌را نمی‌توان ایراد دانست که تا حدودی همین طور هم هست اما جایی که روایت به بعضی از مسائل تاریخی به‌طور مستقیم جدی ورود می‌کند، عمل‌ا می‌شود ضعف‌هایی را در کار دید. خصوصاً نمایش وقایع ۲۰ تیر به لحاظ کارگردانی بسیار ضعیف است، همان‌طور که صحنه‌های خیابانی دیگر چه درگیری‌ها، چه تظاهرات و تجمع‌ها و چه حتی غلغله‌های روبه‌روی مجلس شورای ملی بسیار ضعیف هستند. در این نوع صحنه‌ها دم‌دستی‌ترین میزان‌سن‌ها را می‌بینیم. یک ایراد دیگر هم مربوط به بازی‌هاست که با وجود حضور چهره‌های بسیار جاقفاده، در غالب اوقات احساس می‌شود دیالوگ‌ها به نوبت گفته می‌شوند و یک شیمی روان بین هنرپیشه‌ها برقرار نشده است.

البته ریتم نسبتاً پرگه قصه، تا حدودی این ضعف را پوشش می‌دهد. یک نکته دیگر که می‌توان در سرزمین مادری آن را محل نقد قرار داد، کش آمدن قصه است. چند بار در همین فصل اول، جایی که قصه به نقطه اوج رسیده، دوباره گره جدیدی ایجاد می‌شود که درحقیقت کاملاً شبیه گره‌های قبلی است و فقط ماجرا را طولانی‌تر می‌کند. مثلاً اینکه به جان رهی بیش از یک بار سوء قصد می‌شود، بی‌اینکه ویژگی خاصی به کار ببخشد، قصه را طولانی‌تر می‌کند. این مورد را البته در بسیاری از آثار تحسین‌شده‌ای که در دوران ساخت سرزمین مادری تولید شده بودند هم می‌شد پیدا کرد و حالا پس از اوج گرفتن فعالیت شبکه نمایش خانگی است که به این مسائل حساس‌تر شده‌ایم؛ چراکه مخاطب کم‌حوصله‌تر شده و در میان انبوه آثاری که برای تماشا کردن مقابلش قرار دارند، باید فقط بعضی‌ها را برای دیدن انتخاب کند. سرزمین مادری با همه ضعف‌ها و قوت‌هایی که دارد و با وجود اینکه ۱۵ سال از زمانی که اولین بار جلوی دوربین رفت می‌گذرد، یک سر و گردن نسبت به تمام آثار دیگری که این روزها از تلویزیون پخش می‌شوند بالاتر است و آن را می‌توان یادگار دورانی دانست که به پروژه‌های عظیم توجه ویژه‌ای می‌شد. شاید تا زمان به ثمر رسیدن تولید مجموعه‌هایی مثل «سلمان فارسی» و «موسی» باید صبر کرد تا ببینیم آیا دوباره طلوعه همان دوران پدیدار می‌شود یا نه و آیا این مجموعه‌ها استثنائاتی هستند که با توجه به بزرگی اسم کارگردان‌شان توانستند جلوی دوربین بروند.

می‌تواند رخ دهد،» نه کارا در ایران خودمان هم اتفاقاتی داریم که رقم خوردن‌شان فقط به دستان توانای خودمان رخ می‌دهد. مثلاً همین سریال سرزمین مادری را ببینید. در زمان خودش پخش شد. بسیار هم مورد استقبال قرار گرفت. بعد بابت یک دیالوگ عدم پخش خورد و برای یک‌دهه، در آرشپو صداوسیما خاک نوش جان کرد! بعد هم سریال پخش شد و آب هم از آب تکان نخورد! تازه سریال کلی هم عاشق و شیفته و شیدا پیدا کرده. به‌هرحال با کمال تبریزی طرفیم که بلد است کار خوب پرمخاطب بسازد. اینکه سریال در مورد چیست و داستانش چگونه پیش می‌رود را بگذاریم برای مقال دیگری. اینجا به قول مرحوم جنت‌مکان جناب گرین، شاهد اتفاقی هستیم که هیچ جای دنیا نمی‌تواند رخ دهد! اینجا حساب کنید با سازمانی طرفیم که خودش سنسارش می‌دهد، خودش مجوز می‌دهد، خودش پخش می‌کند، خودش توفیق می‌کند، خودش آرشپو می‌کند و بعد هم خودش آن را پخش می‌کند و آب هم از آب تکان نمی‌خورد! چرا این

یادگاری از روزهای اوج تلویزیون



هومن جعفری خبرنگار

این را در خاطرات گابریل گارسیا مارکز خواندم. داستانی نوشته بود از حضور خودش و همچنین گراهام گرین، نویسنده سرشناس انگلیسی در تیم مذاکره‌کننده پاناما با دولت ایالات متحده آمریکا. آن روزها، هم مارکز و هم گرین هر دو به خاک آمریکا ممنوع‌الورود بودند و ژنرال تریخوس حاکم نظامی وقت پاناما قصد داشت با همراه کردن این دو با کاروان دیپلماتیک خود، هم با جیمی کارتر شوخی کند و هم اینکه برای کشور کوچک خودش سفیرانی دیپلماتیک و خوشنام دست و پا کند. این دو که به خاک آمریکا ممنوع‌الورود بودند، در میان احترام نظامی و با استقبال تمام رسمی وارد این کشور شدند و بعد هم به کاخ سفید رفتند. گرین به وقت پایین رفتن از پله‌های هواپیما، آستین مارکز را کشید و در گوشش زمزمه کرد: «این اتفاقات فقط در آمریکا

اجراهای پرفروش در سالن‌های شلوغ تئاتر

آمار هفتگی فروش و تماشاگران نمایش‌های به صحنه رفته در مجموعه تئاتر شهر، تالار هنر و تماشاخانه سنگلج تا پایان روز جمعه ۱۷ آذر سال ۱۴۰۲ مشخص شد.

به گزارش اداره کل هنرهای نمایشی، آمار فروش تئاترهای دولتی به تفکیک سالن‌ها به شرح زیر است:

تئاتر شهر

نمایش «فردریک» به کارگردانی حمیدرضا نعیمی که از روز ۷ آذر در تالار اصلی با ظرفیت ۵۷۹ تماشاگر و قیمت بلیت ۲۰۰ و ۱۰۰ هزار تومان اجرای خود را آغاز کرده است، با مجموع ۱۱۰ اجرا و میزبانی از سه هزار و ۴۳ مخاطب (با احتساب بلیت تمام‌بها، نیم‌بها، تخفیف‌دار و مهمان) توانست به فروش ۴۵۸ میلیون و ۸۹۶ هزار تومانی دست یابد. نمایش «این دنیا به کنسرت به من بده‌کاره» به کارگردانی سهند خیرآبادی که اجرای خود را از ۹ آبان در تالار چهارسو با ظرفیت ۱۳۲ نفر و قیمت بلیت ۱۸۰ هزار تومان آغاز کرده است، با مجموع ۱۳۲ اجرا و جلب ۴ هزار و ۹۷ تماشاگر، توانسته به فروش معادل ۶۵۲ میلیون و ۷۵۲ هزار تومانی دست پیدا کند.

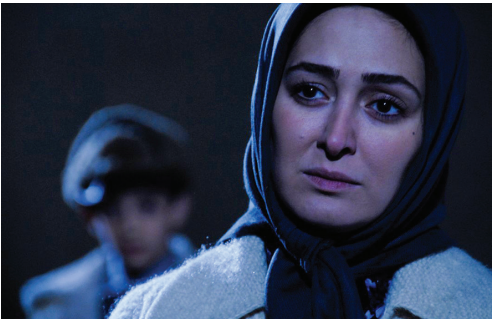
نمایش «وداد شکافه‌زن» به کارگردانی علیرضا دهقانی نیز که اجرای خود را از روز ۸ آذر در تالار قشقایی با ظرفیت ۹۶ نفر و قیمت بلیت ۱۳۰ هزار تومان آغاز کرده است، با ۱۹ اجرا توانسته ۳۱۵ تماشاگر را به سالن اجرا جلب کند و به فروشی معادل ۲۲ میلیون و ۱۶۷ هزار تومان دست پیدا کند. نمایش «دوره» به کارگردانی وحید نفر نیز که اجرای خود را از روز ۷ آذر در

تالار قشقایی با ظرفیت ۹۶ نفر و قیمت بلیت ۱۳۰ هزار تومان آغاز کرده است، با ۱۰ اجرا توانست ۷۴۹ تماشاگر را به سالن اجرا جلب کند و به فروشی معادل ۷۱ میلیون و ۶۴۳ هزار تومان دست پیدا کند. نمایش «شگرف» به کارگردانی علی یداللهی نیز که از روز یکشنبه ۱۲ آذر در تالار سایه با ظرفیت ۷۲ نفر و قیمت بلیت ۱۲۰ هزار تومان اجرای خود را آغاز کرده است، با مجموع ۱۶ اجرا، توانست ۱۳۳ تماشاگر جلب کند و به فروش معادل ۹ میلیون و ۴۸ هزار تومان دست پیدا کند.

نمایش «وراثت تهیمنت سهراب‌کرده» به کارگردانی حسین تفنگدار که از روز سه شنبه ۷ آذر در تالار سایه با ظرفیت ۷۲ نفر و قیمت بلیت ۱۳۰ هزار تومان اجرای خود را آغاز کرده است، با مجموع ۱۱ اجرا، توانست ۳۹۳ تماشاگر جلب کند و به فروش معادل ۳۴ میلیون و ۶۱۹ هزار تومان دست پیدا کند.

نمایش «سالومه» به کارگردانی بابک پیرام نیز که از روز ۷ آذر در کارگاه نمایش با ظرفیت صندلی ۲۶ نفر و قیمت بلیت ۸۰ هزار تومان روی صحنه رفت، با ۱۱۰ اجرا توانست ۷۵۶ تماشاگر را به سالن بکشاند و به فروش ۱۵ میلیون و ۵۲۰ هزار تومانی هم برسد. نمایش «یک ملاقات ساده» به کارگردانی جواد تولمی نیز که از روز ۱۱ آبان در کافه تریای اصلی باقیمت بلیت ۵۰ هزار تومان روی صحنه رفته است، با ۲۲ اجرا توانست ۴۸۴ تماشاگر جذب کند و به فروش ۲۰ میلیون و ۹۵۰ هزار تومان دست پیدا کند.

نمایش «من نوید نیستم!» به کارگردانی سیدعلی خوشرو نیز که از روز ۲۶ آبان در کافه تریای چهارسو باقیمت بلیت ۵۰ هزار تومان روی صحنه رفته



است، با ۱۷ اجرا توانست ۴۸۴ تماشاگر جذب کند و به فروش ۲۰ میلیون و ۴۵۰ هزار تومان دست پیدا کند.

تماشاخانه سنگلج

نمایش «مجلس آخر» به کارگردانی علی برجی که این روزها در تماشاخانه سنگلج روی صحنه است تا ۱۷ آذر میزبان ۲۵۹ تماشاگر بوده است. این نمایش که از ۸ آذر اجرای خود را آغاز کرده، طی ۹ اجرائی که پشت سرگذاشته است ۲۵۹ تماشاگر داشته و فروش نمایش با احتساب بلیت‌های تمام‌بها، نیم‌بها، تخفیف‌دار و مهمان مبلغ ۵ میلیون و ۲۵۰ هزار و ۴۰۰ تومان ثبت شده است. این نمایش تا ۱۷ آذر در تماشاخانه سنگلج روی صحنه است.

تالار هنر

تالار هنر سالن تخصصی نمایش کودک و نوجوان، آذرماه را با اجرای دو نمایش «دونه برف آرزو» به کارگردانی ماندانا عبقری و «جادوگر شهر از» به کارگردانی مهدی قلعه آغاز کرد. این دو نمایش در مجموع، طی ۱۳ اجرائی که پشت سرگذاشته‌اند، میزبان ۲۱۱۳ تماشاگر بوده‌اند. نمایش دونه برف آرزو تا ۱۷ آذر ۹۳۱ تماشاگر داشته و فروش این نمایش با احتساب بلیت‌های تمام‌بها، نیم‌بها، تخفیف‌دار و مهمان مبلغ ۶۵ میلیون و ۶۰۴ هزار و ۳۷۵ تومان ثبت شده است. نمایش جادوگر شهر از نیز تا ۱۷ آذر میزبان ۱۱۸۲ تماشاگر بوده است و فروش این نمایش با احتساب بلیت‌های تمام‌بها، نیم‌بها، تخفیف‌دار و مهمان مبلغ ۱۰۲ میلیون و ۸۴۰ هزار و ۴۱۰ تومان ثبت شده است. این دو نمایش تا اول دی ۱۴۰۲ به اجرای خود در تالار هنر ادامه می‌دهند.

روزگار

یکشنبه ۱۹ آذر ۱۴۰۲
شماره ۴۰۲۹
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY



۱۲